

یسوع یَغسل اَقدام تلامیذه

¹أَمَّا يَسُوعُ قَبْلَ عِيدِ الْفِطْحِ، وَهُوَ عَالِمٌ أَنَّ سَاعَتَهُ قَدْ جَاءَتْ لِيَتَقَلَّ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ إِلَى الْآبِ، إِذْ كَانَ قَدْ أَحَبَّ خَاصَّتَهُ الَّذِينَ فِي الْعَالَمِ أَحَبَّهُمْ إِلَى الْمُنْتَهَى،² فَحِينَ كَانَ الْعِشَاءُ وَقَدْ أَلْقَى السَّيِّطَانُ فِي قَلْبِ يَهُودَا سِمْعَانَ الْإِسْخَرْيُوطِيَّ أَنْ يُسَلِّمَهُ،³ يَسُوعُ، وَهُوَ عَالِمٌ أَنَّ الْآبَ قَدْ دَفَعَ كُلَّ شَيْءٍ إِلَى يَدَيْهِ وَأَنَّهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَرَجَ وَإِلَى اللَّهِ يَمْضِي،⁴ قَامَ عَنِ الْعِشَاءِ وَخَلَعَ ثِيَابَهُ وَأَخَذَ مِئْسَقَةً وَاتَّزَرَ بِهَا،⁵ ثُمَّ صَبَّ مَاءً فِي مِغْسَلٍ وَابْتَدَأَ يَغْسِلُ أَرْجُلَ التَّلَامِيذِ وَيَمْسَحُهَا بِالْمِئْسَقَةِ الَّتِي كَانَ مُتَّزِرًا بِهَا.⁶ فَجَاءَ إِلَى سِمْعَانَ بُطْرُسَ، فَقَالَ لَهُ ذَاكَ: يَا سَيِّدُ، أَنْتَ تَغْسِلُ رِجْلِي؟ أَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: لَسْتُ تَعْلَمُ أَنْتَ الْآنَ مَا أَنَا أَصْنَعُ وَلَكِنَّكَ سَتَعْلَمُ فِيمَا بَعْدُ.⁸ قَالَ لَهُ بُطْرُسُ: لَنْ تَغْسِلَ رِجْلِي أَبَدًا. أَجَابَهُ يَسُوعُ: إِنْ كُنْتُ لَا أَغْسِلُكَ فَلَيْسَ لَكَ مَعِيَ تَصِيبٌ.⁹ قَالَ لَهُ سِمْعَانُ بُطْرُسُ: يَا سَيِّدُ، لَيْسَ رِجْلِي فَقَطْ بَلْ أَيْضًا يَدَيَّ وَرَأْسِي.¹⁰ قَالَ لَهُ يَسُوعُ: الَّذِي قَدْ اغْتَسَلَ لَيْسَ لَهُ حَاجَةٌ إِلَّا إِلَى غَسْلِ رِجْلَيْهِ بَلْ هُوَ طَاهِرٌ كُلَّهُ. وَأَنْتُمْ طَاهِرُونَ وَلَكِنْ لَيْسَ كُلُّكُمْ.¹¹ لَأَنَّهُ عَرَفَ مُسَلِّمَهُ، لِذَلِكَ قَالَ: لَسْتُمُ كُلُّكُمْ طَاهِرِينَ.

¹²فَلَمَّا كَانَ قَدْ غَسَلَ أَرْجُلَهُمْ وَأَخَذَ ثِيَابَهُ وَاتَّكَأَ أَيْضًا قَالَ لَهُمْ: أَنْتَهُمُونَ مَا قَدْ صَنَعْتُ بِكُمْ؟¹³ أَنْتُمْ تَدْعُونَنِي مُعَلِّمًا وَسَيِّدًا وَحَسْبًا تَقُولُونَ لِأَنِّي أَنَا كَذَلِكَ.¹⁴ فَإِنْ كُنْتُ وَأَنَا السَّيِّدُ وَالْمُعَلِّمُ قَدْ غَسَلْتُ أَرْجُلَكُمْ فَأَنْتُمْ يَجِبُ عَلَيْكُمْ أَنْ يَغْسِلَ بَعْضُكُمْ أَرْجُلَ بَعْضٍ. لَأَنِّي أَغُطِّيْكُمْ مِثْلًا حَتَّى كَمَا صَنَعْتُ أَنَا بِكُمْ تَصْنَعُونَ أَنْتُمْ أَيْضًا.¹⁶ الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ أَعْظَمَ مِنْ سَيِّدِهِ وَلَا رَسُولٌ أَعْظَمَ مِنْ مُرْسِلِهِ.¹⁷ إِنْ عَلِمْتُمْ هَذَا فَطُوبَاكُمْ إِنْ عَمِلْتُمُوهُ.

یسوع یواجه الخائن

¹⁸لَسْتُ أَقُولُ عَنْ جَمِيعِكُمْ، أَنَا أَعْلَمُ الَّذِينَ الَّذِينَ اخْتَرْتُمُ، لَكِنْ لِيَتِمَّ الْكِتَابُ: "الَّذِي يَأْكُلُ مَعِيَ الْخُبْزَ رَفَعَ عَلَيَّ عَقِبَهُ".¹⁹ أَقُولُ لَكُمْ الْآنَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ حَتَّى مَتَى كَانَ تُؤْمِنُونَ أَنِّي أَنَا هُوَ.²⁰ الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: الَّذِي يَقْبَلُ مَنْ أَرْسَلُهُ يَقْبَلُنِي، وَالَّذِي يَقْبَلُنِي يَقْبَلُ الَّذِي أَرْسَلْتَنِي.

²¹لَمَّا قَالَ يَسُوعُ هَذَا اضْطَرَبَ بِالرُّوحِ وَشَهِدَ وَقَالَ: الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكُمْ: إِنَّ وَاحِدًا مِنْكُمْ

عیسی شستشومي دهد پایهای شاگردان را

¹و قبل از عید فِطْح، چون عیسی دانستکه ساعت او رسیده است تا از این جهان به جانب پدر برود، خاصّان خود را که در این جهان محبّت می‌نمود، ایشان را تا به آخر محبّت نمود.² و چون شام می‌خوردند و ابلیس پیش از آن در دل یهودا پسر شمعون اسخريوطی نهاده بود که او را تسلیم کند،³ عیسی، با اینکه می‌دانست که پدر همه چیز را به دست او داده است و از نزد خدا آمده و به جانب خدا می‌رود،⁴ از شام برخاست و جامه خود را بیرون کرد و دستمالی گرفته، به کمر بست.⁵ پس آب در لگن ریخته، شروع کرد به شستن پایهای شاگردان و خشکانیدن آنها با دستمالی که بر کمر داشت.⁶ پس چون به شمعون پطرس رسید، او به وی گفت: ای آقا، تو پایهای مرا می‌شویی؟ عیسی در جواب وی گفت: آنچه من می‌کنم الآن تو نمی‌دانی، لکن بعد خواهی فهمید.⁸ پطرس به او گفت: پایهای مرا هرگز نخواهی شست. عیسی او را جواب داد: اگر تو را نشویم تو را با من نصیبی نیست.⁹ شمعون پطرس بدو گفت: ای آقا، نه پایهای مرا و بس، بلکه دستها و سر مرا نیز.¹⁰ عیسی بدو گفت: کسی که کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به شستن پایها، بلکه تمام او پاک است. و شما پاک هستید لکن نه همه.¹¹ زیرا که تسلیم کننده خود را می‌دانست و از این جهت گفت: همگی شما پاک نیستید.

¹²و چون پایهای ایشان را شست، رخت خود را گرفته، باز بنشست و بدیشان گفت: آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ شما مرا استاد و آقا می‌خوانید و خوب می‌گویید زیرا که چنین هستم.¹⁴ پس اگر من که آقا و معلّم هستم، پایهای شما را شستم، بر شما نیز واجب است که پایهای یکدیگر را بشوید.¹⁵ زیرا به شما نمونه‌ای دادم تا چنانکه من با شما کردم، شما نیز بکنید.¹⁶ آمین، آمین، به شما می‌گویم: غلام بزرگتر از آقای خود نیست و نه رسول از فرستنده خود.¹⁷ هرگاه این را دانستید، خوشبحال شما اگر آن را به عمل آرید.¹⁸ دربارهٔ جمیع شما نمی‌گویم؛ من آنانی را که برگزیده‌ام می‌شناسم، لیکن تا کتاب تمام شود: آنکه با من نان می‌خورد، پاشنه خود را بر من بلند کرده

است.¹⁹ الآن قبل از وقوع به شما می‌گویم تا زمانی که واقع شود باور کنید که من هستم.²⁰ آمین، آمین، به شما می‌گویم: هر که قبول کند کسی را که می‌فرستم، مرا قبول کرده؛ و آنکه مراقب قبول کند، فرستنده مرا قبول کرده باشد.

پیشگویی دربارهٔ خائن

²¹ چون عیسی این را گفت، در روح مضطرب گشت و شهادت داده، گفت: آمین، آمین، به شما می‌گویم: که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.²² پس شاگردان به یکدیگر نگاه می‌کردند و حیران می‌بودند که این را دربارهٔ که می‌گوید.²³ و یکی از شاگردان او بود که به سینه عیسی تکیه می‌زد و عیسی او را محبت می‌نمود.²⁴ شمعون پطرس بدو اشاره کرد که پرسد دربارهٔ که این را گفت.²⁵ پس او در آغوش عیسی افتاده، بدو گفت: خداوند، کدام است؟ عیسی جواب داد: آن است که من لقمه را فرو برده، بدو می‌دهم. پس لقمه را فرو برده، به یهودای اسخريوطی پسر شمعون داد.²⁷ بعد از لقمه، شیطان در او داخل گشت. آنگاه عیسی وی را گفت: آنچه می‌کنی، به زودی بکن.²⁸ اما این سخن را احدی از مجلسیان نفهمید که برای چه بدو گفت.²⁹ زیرا که بعضی گمان بردند که چون خریطه نزد یهودا بود، عیسی وی را فرمود تا مایحتاج عید را بخرد یا آنکه چیزی به فقرا بدهد.

³⁰ پس او لقمه را گرفته، در ساعت بیرون رفت و شب بود.

عیسی حکمی تازه می‌دهد

³¹ چون بیرون رفت عیسی گفت: الآن پسر انسان جلال یافت و خدا در او جلایافت.³² و اگر خدا در او جلال یافت، هرآینه خدا او را در خود جلال خواهد داد و به زودی او را جلال خواهد داد.³³ ای فرزندان، اندک زمانی دیگر با شما هستم و مرا طلب خواهید کرد؛ و همچنان که به یهود گفتم: جایی که می‌روم شما نمی‌توانید آمد، الآن نیز به شما می‌گویم.³⁴ به شما حکمی تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید.³⁵ به همین همه خواهند فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید.

پیشگویی انکار پطرس

سَبَسَلَّمْنِي. ²² فَكَانَ التَّلَامِيذُ يُنْطَرُونَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَهُمْ مُحْتَازُونَ فِي مَنْ قَالَ عَنْهُ. ²³ وَكَانَ مُتَكِنًا فِي حِصْنِ يَسُوعَ وَاجِدٌ مِنْ تِلَامِيذِهِ كَانَ يَسُوعَ يُحِبُّهُ، فَأَوْمًا إِلَيْهِ سِمَعَانُ بُطْرُسُ أَنْ يَسْأَلَ مَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ الَّذِي قَالَ عَنْهُ. ²⁵ فَأَتَكَ ذَاكَ عَلَى صَدْرِ يَسُوعَ وَقَالَ لَهُ: يَا سَيِّدُ، مَنْ هُوَ؟ أَجَابَ يَسُوعَ: هُوَ ذَاكَ الَّذِي أَعْمَسُ أَنَا اللَّفْمَةَ وَأَعْطِيهِ. فَعَمَسَ اللَّفْمَةَ وَأَعْطَاهَا لِيَهُودَا سِمَعَانَ الْإِسْخَرِيوطِيَّ. ²⁷ تَبَعَدَ اللَّفْمَةَ دَخَلَهُ الشَّيْطَانُ. فَقَالَ لَهُ يَسُوعَ: مَا أَنْتَ تَعْمَلُهُ فَأَعْمَلُهُ بِأَكْثَرِ سُرْعَةٍ. ²⁸ وَأَمَّا هَذَا فَلَمْ يَفْهَمْ أَحَدٌ مِنَ الْمُتَكِنِينَ لِمَاذَا كَلَّمَهُ بِهِ. ²⁹ لِأَنَّ قَوْمًا، إِذْ كَانَ الصُّنْدُوقُ مَعَ يَهُودَا، طَلَبُوا أَنْ يَسُوعَ قَالَ لَهُ: اسْتَرِ مَا تَخَافُ إِلَيْهِ لِلْعِيدِ، أَوْ أَنْ يُعْطِيَ شَيْئًا لِلْفُقَرَاءِ. ³⁰ فَذَاكَ لَمَّا أَخَذَ اللَّفْمَةَ حَرَجَ لِلْوَقْتِ، وَكَانَ لَيْلًا.

یسوع یعطینا وصیة جدیدة

³¹ فَلَمَّا حَرَجَ قَالَ يَسُوعَ: الآنَ تَمَجَّدَ ابْنُ الْإِنْسَانِ وَتَمَجَّدَ اللَّهُ فِيهِ. ³² إِنْ كَانَ اللَّهُ قَدْ تَمَجَّدَ فِيهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَمَجِّدُهُ فِي ذَاتِهِ وَتَمَجَّدُهُ سَرِيعًا. ³³ يَا أُولَادِي، أَنَا مَعَكُمْ زَمَانًا قَلِيلًا بَعْدَ. سَتَطْلُبُونَنِي، وَكَمَا قُلْتُ لِلْيَهُودِ: حَيْثُ أَذْهَبُ أَنَا لَا تَقْدِرُونَ أَنْ تَأْتُوا، أَقُولُ لَكُمْ أَنْتُمْ الآنَ. ³⁴ وَصِيَّةٌ جَدِيدَةٌ أَنَا أُعْطِيكُمْ، أَنْ تُحِبُّوا بَعْضُكُمْ بَعْضًا، كَمَا أَحْبَبْتُمْ أَنَا تُحِبُّونَ أَنْتُمْ أَيْضًا بَعْضُكُمْ بَعْضًا. ³⁵ يَهَذَا يَعْرِفُ الْجَمِيعُ أَنَّكُمْ تِلَامِيذِي إِنْ كَانَ لَكُمْ حُبٌّ بَعْضًا لِبَعْضٍ.

یسوع ینبئ بانکار بطرس

³⁶ قَالَ لَهُ سِمَعَانُ بُطْرُسُ: يَا سَيِّدُ، إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ؟ أَجَابَهُ يَسُوعَ: حَيْثُ أَذْهَبُ لَا تَقْدِرُ الآنَ أَنْ تَتَّبِعَنِي وَلَكِنَّكَ سَتَتَّبِعُنِي آخِرًا. ³⁷ قَالَ لَهُ بُطْرُسُ: يَا سَيِّدُ، لِمَاذَا لَا أَفِئِرُ أَنْ أَتَّبِعَكَ الآنَ؟ إِنِّي أَصْعُ تَفْسِي عَنْكَ. ³⁸ أَجَابَهُ يَسُوعَ: أَتَصْعُ تَفْسَكَ عَنِّي؟ الْحَقُّ، الْحَقُّ، أَقُولُ لَكَ: لَا يَصِيحُ الذِّكُّ حَتَّى تُشْكِرَنِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

³⁶ شمعون پطرس به وی گفت: ای آقا کجا می‌روی؟
 عیسی جواب داد: جایی که می‌روم، الآن نمی‌توانی از
 عقب من بیایی و لکن در آخر از عقب من خواهی
 آمد. ³⁷ پطرس بدو گفت: ای آقا، برای چه الآن نتوانم از
 عقب تو بیایم؟ جان خود را در راه تو خواهم
 نهاد. ³⁸ عیسی به او جواب داد: آیا جان خود را در راه
 من می‌نهی؟ آمین، آمین، به تو می‌گویم تا سه مرتبه
 مرا انکار نکرده باشی، خروس بانگ نخواهد زد.